

عاشورا در آینه‌ی اشعار علامه سیدمحمد حسین فضل‌الله*

حسین مهتدی^۱، استادیار گروه زبان و ادبیات عربی، دانشگاه خلیج فارس
خداداد بحری، استادیار گروه زبان و ادبیات عربی، دانشگاه خلیج فارس

چکیده

علامه سید محمدحسین فضل‌الله از فقیهان و شاعران معاصر عرب بود که در کنار تحصیل در علوم دینی به دلیل ذوق سرشار ادبی، در زمینه سرودن شعر نیز دیوان‌های با ارزشی دارد که تاکنون کمتر به آن‌ها توجه شده است از جمله دیوان «قصائد للإسلام والحیة»، و «فی ظلال الإسلام» و... که هر کدام قصائد زیبایی از علامه فضل‌الله را در خود جای داده‌اند. علامه فضل‌الله در دیوان «قصائد للإسلام والحیة» در قصیده‌ای تحت عنوان «فی المرقد الحسینی» به بیان ویژگی‌های شخصیت امام حسین (ع) و علل قیام ایشان و پیوند عاشورا با روزگار معاصر می‌پردازد و صحنه‌های شهادت علی‌اصغر و ابوالفضل العباس (ع) را به تصویر می‌کشد. همچنین تصویری شاعرانه از رود فرات بعد از شهادت امام حسین (ع) ارائه می‌کند. شاعر در این اشعار از تشبیه، استعاره، تکرار و افعال مضارع بسیار بهره برده است. به دلیل تحصیل علامه فضل‌الله در حوزه‌ی علمیه نجف و آشنایی با علوم اسلامی، تأثیرپذیری وی از مکتب اهل بیت در اشعارش بسیار مشهود است. لازم به ذکر است که شاعر در دیوان دیگری به نام «فی ظلال الإسلام» نیز اشعار پراکنده‌ای در مورد امام حسین (ع) سروده است. نگارندگان در این مقاله با روشی تحلیلی - توصیفی به بررسی زیباشناسی اشعار علامه در مورد عاشورا می‌پردازند.

کلید واژه‌ها: امام حسین (ع)، علامه فضل‌الله، عاشورا، ادبیات متعهد.

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۴/۰۸/۱۹

* تاریخ دریافت: ۱۳۹۴/۰۳/۱۲

۱- نشانی پست الکترونیکی نویسنده مسئول: mohtadi@ut.ac.ir

مقدمه

محمدجواد مغنیه در مقدمه‌ی کتاب «أدب الطفّة أو شعراء الحسين» می‌گوید: درباره‌ی بزرگان دنیا تاکنون شعرهای زیادی سروده شده است که اگر شعرهای مربوط به امام حسین (ع) در کفه‌ای و شعرهای مربوط به دیگران در کفه‌ای دیگر باشد، به‌طور یقین کفه‌ی شعرهای مربوط به امام حسین (ع) از دیگران برتر است و رازش این است که او به راه دین پیامبر قدم گذاشته است؛ بنابراین بزرگداشت امام حسین (ع) در حقیقت همان بزرگداشت پیامبر (ص) است (شیر، ۱۹۸۸: ۱۰/۱ و ۱۱). شاعران فراوانی از قرن دوم هجری تاکنون درباره‌ی امام حسین (ع) شعر سروده‌اند به‌عنوان مثال «شیخ احمد بلادی» از شاعران قرن دوم در حدود هزار قصیده درباره‌ی امام حسین (ع) سروده است، شاعران دیگر هم‌چون «شیخ خلیعی» در قرن نهم، «شیخ محی الدین طریحی» متوفی قرن دوازده و «شیخ حسن دمستانی» از شاعران قرن سیزده، از جمله شاعرانی هستند که اشعار فراوانی در رثای امام حسین سروده‌اند (همان، ۱۹۸۸: ۱۸/۱).

یکی از شاعران معاصر که در رثای امام حسین (ع) شعر سروده است، علامه فضل‌الله^۱ می‌باشد. از جمله موضوعاتی که در اشعار شاعر تجلی یافته است شخصیت امام حسین (ع) و قیام عاشورا است، شاعر معتقد است که خون امام حسین (ع) احیاگر اسلام و رمز مقاومت و سربلندی مسلمانان است، خونی که کاخ استکبار را به لرزه درآورد و کشتی نجات مظلومان عالم شد.

نگارندگان در این مقاله در پی آنند تا به بررسی اشعار علامه فضل‌الله در مورد امام حسین (ع) بپردازند. سؤالاتی که در این مقاله به آن‌ها پاسخ داده خواهد شد عبارت‌اند از:

۱. مهم‌ترین ویژگی‌های شخصیت امام حسین (ع) از نظر علامه فضل‌الله چیست؟
۲. از دیدگاه شاعر چه ارتباطی میان حادثه‌ی عاشورا و روزگار معاصر وجود دارد؟
۳. شاعر شخصیت‌های حاضر در حادثه‌ی عاشورا را چگونه به تصویر می‌کشد؟

عاشورا در آیین‌های اشعار علامه سید محمد حسین فضل‌الله ۱۴۷

پیشینه‌ی تحقیق

۱. بر اساس اطلاع نویسندگان تا زمان نگارش این مقاله هیچ کتاب یا مقاله‌ای به زبان فارسی درباره‌ی اشعار علامه فضل‌الله چاپ نشده است ولی در زبان عربی اخیراً چند اثر درباره‌ی اشعار وی نوشته شده است که عبارت‌اند از: ۱. ابو صالح، اسماعیل خلیل، «السید محمد حسین فضل‌الله شاعر»، بیروت، دار الملائک، ۲۰۰۳ م، نویسنده در این کتاب علاوه بر بررسی زندگی‌نامه و اوضاع سیاسی، اجتماعی و اقتصادی روزگار شاعر، ضمن تحلیل برخی قصاید، به ویژگی‌های هنری شعر وی و مهم‌ترین اغراض شعریش پرداخته است؛ ۲. مهدی، علی رفعت، «الاتجاه الروحی فی شعر السید محمد حسین فضل‌الله»، بیروت، دار الملائک، ۲۰۰۶ م، نویسنده در این کتاب ابتدا دیدگاه علامه فضل‌الله درباره‌ی شعر سپس دیدگاه‌های معنوی او را از خلال اشعارش مورد پژوهش قرار داده است و در پایان زبان شعری شاعر و موسیقی شعر وی را مورد ارزیابی قرار داده است. لازم به ذکر است در هیچ‌یک از این دو کتاب درباره‌ی اشعار مربوط به عاشورا در دیوان علامه فضل‌الله سخنی به میان نیامده است.

۱. بررسی محتوایی اشعار عاشورایی علامه فضل‌الله

نگارندگان در این مقاله خصلت‌ها و تصویر امام حسین (ع) در شعر علامه فضل‌الله را مورد کنکاش قرار داده‌اند. همچنین نحوه‌ی به تصویر کشیدن شخصیت‌ها و مکان‌های عاشورایی را در شعر شاعر مورد مطالعه قرار داده‌اند. علاوه بر این به پیوند عاشورا با زندگی معاصر از دیدگاه شاعر نیز اشاره نموده‌اند.

۱.۱. امام حسین (ع) از دیدگاه شاعر

در شعر علامه فضل‌الله چند ویژگی برای امام (ع) و قیامش مورد تأکید قرار گرفته است: هدایتگری، ارتباط با خدا، قداست و ماندگاری قیام. حال به بررسی و توصیف آن‌ها از دیدگاه شاعر پرداخته می‌شود:

۱.۱.۱. هدایتگری و نجات بخشی امام حسین (ع)

علامه فضل‌الله در قصیده‌ای با عنوان «فی المرقد الحسینی» امام حسین (ع) را رمز مقاومت و چراغ راه مسلمانان و کشتی نجات آن‌ها می‌داند و می‌سراید:

- ۱- هُنَا يَوْفُ الْخَاطِرِ الْمُهْمُ وَيَسْكُتُ فِيهِ يَسْتَسْلِمُ
 ۲- وَيَسْتَرْجِعُ الطَّرْفُ عَنْ قَصْدِهِ فَيَغْشَى فَيَنْهَلُ مِنْهُ الدَّمَّ
 ۳- هُنَا حَيْثُ يَرْتُدُّ رَمْزُ الْإِبَا وَقَطْبُ الْهَدَى الْمَنْقَذُ الْأَعْظَمُ
 ۴- وَيَرْسُلُ أَنْوَارَهُ فِي الْفَضَا فَيُشْرِقُ عَالَمَنَا الْمَظْلِمُ
 ۵- وَيَنْشُرُ فِينَا تَعَالِيَمَهُ وَلَكِنْ بَفَيْضِ الدَّمَا تَرَقُّمُ
- (فضل الله، ۲۰۰۱: ۱۰۳)

- ۱- در این مکان دل الهام شده می ایستد و در آن سکوت می کند و تسلیم می شود.
 ۲- چشم به خاطر بزرگی این مصیبت از قصدشبرمی گردد پس فرو می افتد و [به جای اشک] خون از آن جاری می شود.
 ۳- اینجامکانی است که رمز ظلم ناپذیری و مرکز هدایت و نجات دهنده‌ی بزرگ خوابیده است.
 ۴- و پرتوهای نورش را در فضا می فرستد و بر اثر آن جهان تاریک ما را روشن می کند.
 ۵- آموزه‌هایش را در میان ما منتشر می کند و لیاین آموزه‌ها به برکت خون نگاشته می شود.

هیچ مصیبتی تاکنون به عظمت و دردناکی واقعه‌ی عاشورا نبوده است به همین جهت شاعر وقتی وارد مرقد امام حسین (ع) می شود با خشوع و تواضع می ایستد. مقصود از «هنا» در بیت نخست مرقد امام حسین (ع) است، کلمه‌ی «خاطر» نیز استعاره‌ی مکنیه است و شاعر آن را به «یقف، یسکت، یستسلم» نسبت داده است تا به آن هویتی انسانی دهد، زیرا «خاطر» در این مکان مقدس (حرم امام حسین (ع)) همچون انسان می ایستد و سکوت می کند و خشوع دارد و تسلیم می شود. از نگاه شاعر مصیبت امام حسین (ع) آن قدر سنگین است که تا چشم انسان به آن می افتد از عظمت و بزرگیش به پایین می افتد و به جای اشک خون می گیرد. شاعر در بیت سوم بیان می کند که مرقد امام حسین (ع) رمز پایداری، عزت، ظلم ناپذیری، مرکز هدایت مردم و کشتی نجات بشریت است. عبارت‌های «قطب الهدی و المنقذ الأعظم» در قصیده یادآور این حدیث پیامبر گرامی اسلام (ص) است که می فرماید: «إِنَّ الْحَسِينَ مَصْبَاحَ الْهَدَى وَ سَفِينَةَ النِّجَاةِ» (شیخ صدوق، ۱۹۸۴: ۶۲/۲). از نظر علامه فضل الله، امام حسین (ع) چراغ هدایتی

عاشورا در آیین‌های اشعار علامه سیدمحمد حسین فضل‌الله ۱۴۹

برای نسل‌های بعد از خود است، اوست که انسان را از انحراف و بت‌پرستی و جاهلیت به راه‌راست هدایت می‌کند. علامه فضل‌الله در کتاب «من وحی عاشوراء» بیان می‌کند: «هنگامی که سیره‌ی امام حسین (ع) را مطالعه می‌کنم متوجه می‌شوم که هدف امام حسین (ع) از حرکت به سوی کربلا اصلاح امت جدش بوده است، اصلاح فکری در برابر انحراف فکری، اصلاح سیاسی در برابر انحراف سیاسی، و اصلاح اجتماعی در برابر انحراف اجتماعی، و این همان چیزی است که می‌توان آنرا در دو عبارت امر به معروف و نهی از منکر خلاصه کرد» (فضل‌الله، ۱۹۹۶: ۳۰). این سخن برگرفته از کلام امام حسین (ع) در روز عاشورا است که فرمود: «أَمَّا خَرَجْتُ لِطَلْبِ الْإِصْلَاحِ فِي أُمَّةٍ جَدِّي، أَرِيدُ أَنْ أَمُرَ بِالْمَعْرُوفِ وَأَنْهَى عَنِ النُّكْرِ» (مجلسی، ۱۴۰۴: ۳۲۹/۴۴).

در بیت چهارم شاعر بیان می‌کند که امام حسین (ع) با شهادت خود انوار هدایتش را در جامعه و فضا منتشر می‌کند و دنیای تاریک ما را روشن می‌کند، از نظر علامه فضل‌الله، امام (ع) نور هدایت است که پرتو نورش را بر دل آزادگان می‌تاباند و عالم درون و برون‌شان را روشن می‌کند و انسان‌ها را از تاریکی‌ها به روشنی می‌برد.

بیت پنجم اشاره به این موضوع دارد که امام حسین (ع) تعالیم اسلام، انسانیت و عزت را در میان مردم منتشر می‌کند، اما جوهر قلمی که امام تعالیم انسانی را با آن می‌نگارد خون است (وَلَكِنْ بِفَيْضِ الدِّمَا تَرَقَّمُ)، بنابراین امام معلمی است سرمدی که تعلیمات خود را با خون می‌نگارد. دو فعل «ینشر و ترقم» به صورت مضارع آمده است و دلالت بر استمرار می‌کند که اشاره دارد به این‌که خون او برای همیشه جاری و تازه است، بنابراین تعلیم و آموزش او نیز برای همیشه زنده و پایدار است. علامه فضل‌الله در کتاب «من وحی عاشوراء» می‌گوید: «خط و مسیر اسلامی نیاز به نیرویی دارد تا انقلابیون را در هر زمان و مکان برای قیام به حرکت درآورد و آن چیزی جز خون نیست، خون‌هایی که در کربلا جاری شد، راز شخصیت امام حسین (ع) است که با آن پایه‌های اسلام را در مسیر خدا و پیامبرش استوار کرد به همین خاطر خون امام حسین (ع) را به یاد آورید تا با آن اسلام را بهیاد آورید. همه‌ی شهیدان کربلا از طفل شیرخواره گرفته تا پیرمردان و سالخورده‌گان را به یاد آورید تا بفهمید که پای‌بندی آن‌ها

به اهل بیت مجانی و رایگان نبوده است، بلکه بهای آن خون امام حسین و اصحاب و یارانش بوده است، خونی که هم‌چون نهری جریان دارد و خاموش شدنی نیست» (فضل‌الله، ۱۹۹۶: ۲۹).

۲.۱.۱. قداست و جایگاه رفیع امام حسین (ع)

علامه فضل‌الله در ادامه قصیده‌ی «فی المرقد الحسينی» به علو مقام امام حسین (ع) و جایگاه قدسی وی اشاره می‌کند و واقعه عاشورا را در برابر چشم خود عیان می‌بیند و به توصیف آن می‌پردازد:

۱- يا سيّد النَّفَرِ النّاهِضينِ تعاليتَ عَنْ كُلِّ ما يُنْظَمُ
۲- وَقُدِّسَتْ عَنْ اَنْ يُحِيطَ الخيالُ الخيال بذاتِكَ خُبراً وَيَسْتَعْلَمُ
۳- مَثَلْتُ اِلَيْكَ اَمامَ الضَّرِيحِ فِلاخٍ لِعَيْنِي ما يُؤْمُ
۴- وَقَبَّلْتُ فِيهِ دَمًا زاكِياً اُرَيْقُ وَقَدْ راحَ يَسْتَنْظِمُ
(فضل‌الله، ۲۰۰۱: ۱۰۴ و ۱۰۵)

- ۱- ای سرور دسته‌ی قیام‌کنندگان، از همه آنچه که سروده می‌شود برتری یافته‌ای.
 - ۲- تو پاک‌تر و مقدس‌تر از آن هستی که خیال بتواند تو را درک کند.
 - ۳- در برابر ضریح تو ایستادم پس چیزی دردآور برای چشمانم نمایان شد (با یاد مصیبت تو اندوهگین شدم).
 - ۴- و در آن ضریح بر خون پاکی بوسه زدم که ریخته شده بود و دادخواهی می‌کرد.
- شاعر در این ابیات ضمن ابراز تأثر شدید از شهادت امام حسین (ع) که در نظر شاعر نماد هدایت است، به بیان مقام والای آن امام هم‌ام می‌پردازد. اسلوبی که شاعر برای بیان مقصود خود به کار می‌گیرد، اسلوب خطاب است (یا سید نفر الناهضین، تعالیت، قدّست، بذاتک، مثلت الیک). اسلوب خطاب دلالت بر دائم الحضور بودن مرثی علیه در ذهن شاعر می‌کند. اوصافی که شاعر برای امام برمی‌شمارد عبارت است از: سرور آزادگان و ظلم ستیزان، والاتر بودن از توصیف شدن و منزّه بودن از ادراک حتی با خیال. در «یا سید نفر الناهضین» اشاره‌ای است به حدیث پیامبر (ص) که حسنین (ع) را سرور جوانان بهشت معرفی نموده است: «الحسن والحسين سيّدا شباب اهل الجنة» (شیخ صدوق، ۱۴۱۳ق: ۱۷۹/۴؛ مازندرانی، ۱۳۷۹ق: ۳/۱).

عاشورا در آیین‌های اشعار علامه سید محمد حسین فضل‌الله ۱۵۱

جواد شبر درباره‌ی پاداش شهادت امام حسین (ع) می‌گوید: «خداوند در عوض شهادت امام حسین (ع) چنان اجر و پاداشی به او داد که تربت او مایه‌ی شفای انسان است و دعا در زیر قبه‌ی او مستجاب می‌شود و خداوند در غروب روز عرفه قبل از اینکه به حجاج خانه‌ی خود نگاه کند به زائران امام حسین (ع) نگاه می‌کند چرا که امام حسین (ع) از حرمت خانه‌ی خدا محافظت کرد و هنگامی که امام حسین (ع) از مکه خارج می‌شد به ابن عباس فرمود: اگر از مکه خارج نشوم و به سوی کربلا بروم حرمت خانه‌ی خدا شکسته می‌شود» (شبر، ۱۹۸۸: ۳۷/۱). لذا امام حسین (ع) در میان آزادگان جهان و به خصوص شیعیان عالم از مکان‌های خاصی برخوردار است، به طوری که از اقصی نقاط جهان به زیارت مرقد شریفش می‌شتابند، انواع سختی‌ها را با جان و دل تحمل می‌کنند و بر مضجع شریفش به نوحه‌گری می‌پردازند تو گویی کعبه‌ی دیگری است، کعبه‌ای که سمبل آزادی و نماد عدالت‌خواهی است. علامه فضل‌الله به این موضوع اشاره دارد و چنین می‌سراید:

۱- هُنَا حَيْثُ يَرْفُؤُ الدُّرُ الْإِلَهِيَّةِ	وَحَيْثُ الْهُدَى مِنْ أَسَى مُنْعَمٍ
۲- تَرَى الْحَقَّ كَيْفَ ارْتَقَى وَاسْتَطَالَ	فَتَعَلَّمَ مَا لَمْ تَكُنْ تَعَلَّمُ
۳- وَتَلَمَّحُ فِي جَنَابَاتِ الضَّرِيحِ	دِمَاءَ الشَّهَادَةِ إِذْ تُلَمُّ
۴- وَقَدْ عَكَفَتْ حَوْلَهُ النَّائِحَاتُ	فَهَذِي تَضِجُ وَذِي تَلْطِمُ
۵- فَتَحْسَبُهُ كَعْبَةَ الْمُسْلِمِينَ	وَكَأَنَّ فَتَى مِنْهُمْ الْمُحْرِمِ

(فضل‌الله، ۲۰۰۱: ۱۰۳)

- ۱- اینجا مکانی است که راز خدا در آن آرام گرفته است، جایی که هدایت سرشار از غم و اندوه است.
- ۲- حق را می‌بینی که چگونه بالا رفته و چیره شده است، پس خواهی دانست آنچه را که نمی‌دانستی.
- ۳- به اطراف ضریح نگاه می‌کنی و خون‌های شهیدان را می‌بینی که بوسیده می‌شوند.
- ۴- و در اطراف آن زنان به شیون نشسته‌اند یکی ناله می‌کند و دیگری به سرو صورت می‌زند.
- ۵- ضریح را کعبه‌ی مسلمانان، و جوانان پیرامونش را احرام بستگان برای طواف می‌پنداری.

در این ابیات حضور مکان یعنی همان مرقد شریف امام حسین (ع) آشکار است، و شاعر با کلمات «هنا، حیث» به مرقد امام حسین (ع) اشاره می‌کند. اسم اشاره «هنا» برای کمال عنایت به موضوع مورد اشاره و متمرکز کردن ذهن شنونده بر مرقد آن حضرت است و بدین‌سان تأکید می‌کند که جایی که راز خدا نهفته است و هدایت لبریز از اندوه شده همین مکان است.

از نگاه شاعر مرقد امام حسین (ع) رمز حق و حقیقت است، حقی که بالا می‌رود و قلب‌های زیادی عاشق زیارت آن هستند، و بر خون شهید بوسه می‌زنند، دو فعل «تَضِحُّ، تَلَطُّمُ» دلالت بر استمرار و حرکت و زنده بودن دارد، یعنی این‌که زائران امام حسین (ع) در جنب و جوش و گریه و زاری هستند و فعل «تحسبه» دلالت بر ظن و گمان دارد و در این‌جا به جای ادات تشبیه به‌کار رفته است. شاعر مرقد امام حسین (ع) را به کعبه تشبیه کرده است و زائرانش را هم‌چون طواف کنندگان خانه‌ی خدا می‌داند.

۳.۱.۱. امام حسین (ع) مظهر حق و حقیقت

امام حسین (ع) وارث انبیاء است او با شهادت خود مدرسه‌ی حق و حقیقت را تأسیس کرد، مدرسه‌ای که در آن به دنبال برپایی حقیقت و مبارزه با باطل بود و با خون خود صفحه‌ای جدید در زندگی بشریت ترسیم کرد. علامه فضل الله در این باره می‌فرماید:

- | | |
|--|---|
| ۱- هُنَا سَجَّلْتُ لِلْهَدَى صَفْحَةً | مِنَ الْحَقِّ مَا خَطَّهَا مِرْقَمُ |
| ۲- تَلَاهَا عَلَى الْكُونَ سَبْطُ النَّبِيِّ | فَشَنَّعَ بِهَا الْمَنْهَجَ الْأَقْوَمُ |
| ۳- وَأَرْسَلَهَا فِي الْهُدَى دَعْوَةً | تَبَيَّنُ الصَّوَابَ بِمَا تَرْقُمُ |
| ۴- وَشَيْدَ صَرِيحِ الْهُدَى بَعْدَمَا | أَزَالَ قَوَاعِي سِدَّةِ الْمُحْرَمِ |
| ۵- وَعَلَّمَ كَيْفَ تُفَدَى النُّفُوسُ | وَ كَيْفَ يَمُوتُ الْفَتَى الْمَسْلِمُ |
| ۶- وَكَيْفَ تُرَاقُ دِمَاءُ الْأَيِّ | بِحِمَاةِ الْعَقِيدَةِ إِذْ تُهَضَّمُ |
- (فضل‌الله، ۲۰۰۱: ۱۰۴)

۱- این‌جا صفحه‌ای از حقیقت برای هدایت به ثبت رسید، صفحه‌ای که هیچ قلمی آن را ننگاشته است.

۲- نوه‌ی پیامبر آن صفحه را بر همه‌ی هستی تلاوت کرده است، در نتیجه راه و روش استوار با آن صفحه درخشید.

عاشورا در آیین‌های اشعار علامه سید محمد حسین فضل‌الله ۱۵۳

۳- امام حسین (ع) آن صفحه را به عنوان دعوت نام‌های هدایت فرستاد، دعوتی که با آنچه می‌نویسد راه درست را می‌نمایاند.

۴- بنای رفیع هدایت را بعد از این که (یزید) جنایت‌کار پایه‌هایش را نابود کرده بود از نو مستحکم کرد.

۵- و به ما آموخت که جان‌ها چگونه فدا می‌شوند و جوان مسلمان چگونه می‌میرد.

۶- و خون‌های ظلم ناپذیر در پای عقیده‌ای که سرکوب می‌شود چگونه می‌ریزد.

امام حسین (ع) صفحه‌ی جدیدی برای هدایت بشریت ایجاد کرد چرا که دین اسلام در زمان یزید کاملاً تغییر یافته بود. امام (ع) بپا خواست تا این دین را به مسیر واقعی خود برگرداند، هر امامی برای احیای دین روش و ابزار خود را دارد امام حسن (ع) با پذیرش صلح، امام باقر و صادق (ع) با سلاح دانش و... ولی امام حسین (ع) با سلاح خون صفحه‌ای جدید از حقیقت در برابر انسان‌ها گشود. بیت دوم پاسخ سؤالی است مقرر که صفحه‌ی جدید حق و حقیقت برای کیست و وسعت آن به چه میزان است؟ جار و مجرور «علی‌الکون» بیانگر این است که امام حسین (ع) حقیقت را برای همه‌ی بشریت و هستی آشکار کرد، چرا که آموزه‌ی او انسانیت و آزادگیست و این دو متعلق به همه‌ی بشریت و تمام گستره‌ی تاریخ است. در مصراع دوم این بیت بیان می‌کند که راه مستقیمی که پیامبر مردم را به آن دعوت می‌کند «قُلْ هَذِهِ سَبِيلِي أَدْعُو إِلَى اللَّهِ عَلَىٰ بَصِيرَةٍ أَنَا وَمَنِ اتَّبَعَنِي» (یوسف/۱۰۸) به وسیله‌ی این صفحه‌ی جدید هدایت درخشید و نمایان شد و امام حسین (ع) نیز با خونس مردم را به راه مستقیم دعوت کرد. در بیت سوم شاعر بیان می‌کند امام حسین (ع) نه تنها رمز ظلم ناپذیری و قطب هدایت است که با تقدیم خون خویش به مبلغ صفحه‌ی جدید حق و حقیقت تبدیل شده است و آنچه را که به آن دعوت می‌کند و به تبلیغ آن می‌پردازد، چیزی جز راه راست نیست.

در بیت‌های بعدی بیان می‌شود امام حسین (ع) - که از نگاه شاعر معلم بشریت است - با شهادت خود کاخ هدایت که یزید پایه‌هایش را نابود ساخته بود، از نو ساخت و به ما درس چگونه مردن و چگونه ماندن بر عقیده را آموخت درسی که با فدا کردن

جان و مال و اولاد و یارانش در راه عقیده‌اش به بشریت آموختو به تعبیر قرآن از جان خود در راه رضای خداوند گذشت: «وَمِنَ النَّاسِ مَنْ يَشْرِي نَفْسَهُ ابْتِغَاءَ مَرْضَاةِ اللَّهِ» (بقره/۲۰۷).

درس حسین (ع) علمای بزرگ جهان را به شگفتی واداشته است تا جایی که فیلسوف آلمانی ماریین می‌گوید: «تاریخ هیچ مردی را به یاد نمی‌آورد که برای احیای دولت و حکومتی که از آن‌ها سلب شده است خود، فرزندان، اصحاب و یارانش را به کشتن دهد، مگر حسین (ع)، مردی که به خوبی فهمید چگونه می‌تواند پایه‌های حکومت امویین را به لرزه درآورد» (زرکلی، ۲۰۰۲: ۲۴۳/۲).

شاعر در بیت آخر تأکید می‌کند «خون» که مایه حیات انسان است و قوام و دوامش به آن وابسته است در برابر عقیده ناچیز شمرده می‌شود. تأکید بر ریخته شدن خون در راه عقیده نقشه‌ی حیات انسان را ترسیم می‌کند. این امر نشان می‌دهد که انسان در جهان بی‌هدف نیست بلکه وابسته به عقیده‌ای است که با آن زیست می‌کند.

امام حسین (ع) به ما آموخت «خون» که امانتی الهی است و در جسم ما جریان دارد باید در راه صاحبش و احیای دینش ریخته شود (تجاة العقبة إِذْ تُهَضَّمُ).

استفاده از فعل مجهول در (تُفَدَى، تُرَاق، تُهَضَّم) نشان از ارجحیت فعل است بر فاعل، به عبارتی دلالت می‌کند که هنگام پایمال شدن عقیده، آنچه مهم است فدا شدن و ریخته شدن خون است و این امر به شخص خاصی وابسته نیست بلکه امری است که لازم است در هر زمان و مکان که عقیده در معرض نابودی قرار گیرد، توسط هر شخصی انجام پذیرد. «امام حسین (ع) با شهادتش به ما آموخت همان‌طور که او در برابر یزید و ابن زیاد که نماد باطل، فساد و ظلم بودند سر تسلیم فرود نیاورد ما نیز به عنوان فرزندان و پیروان آن امام نباید در برابر یزید زمان یعنی امریکا و اتباعش تسلیم شویم» (فضل‌الله، ۲۰۰۱م، ۳۷۱). شاعر سه بار از کلمه‌ی «الهدی» استفاده کرده است و آن تأکیدی است بر این‌که هدایت بشریت مهم‌ترین هدف قیام امام است.

عاشورا در آیین‌های اشعار علامه سید محمد حسین فضل‌الله ۱۵۵

۲.۱. شخصیت‌های عاشورایی در شعر علامه فضل‌الله

علامه فضل‌الله در اشعار عاشورایی خود بعد از توصیف ویژگی‌های امام حسین (ع) به شخصیت علی‌اصغر و ابوالفضل العباس (ع) می‌پردازد که در زیر به تفصیل در این باره سخن گفته می‌شود:

۱.۲.۱. طفل شش ماهه علی‌اصغر (ع)

یکی از شخصیت‌های عاشورا که شهادتش به سبب نهایت سنگدلی و قساوت اشقیاء، در سخن بسیاری از راویان و شاعران وارد شده است شخصیت علی‌اصغر طفل شش ماهه امام حسین (ع) است. پس از آن‌که امام حسین (ع) برایش از ظالمان آب طلب کرد با بی‌رحمی تمام با تیر گلویش را پاره کردند، قساوتی که امام (ع) پس از آن خون کودکش را به آسمان پرتاب کرد و فرمود: «هَوَّنَ عَلَيَّ مَا نَزَلَ بِي أَنَّهُ بَعَيْنِ اللَّهِ» آنچه بر من فرود آمد چون در مقابل چشم خداست بر من آسان است (مجلسی، ۱۴۰۴: ۴۶/۴۵). علامه فضل‌الله نیز در اشعار خود از آن سخن گفته است و با آوردن تشبیهات مختلف چگونگی شهادت او را بیان کرده است:

- | | |
|---|------------------------------------|
| ۱- وَأَبْصَرْتُ طِفْلاً كَرِهَ الرِّبِيعَ | تَفْتَحَ عَن نُّورِ الْبُرْعَمِ |
| ۲- غَفَا فَوْقَ صَدْرِ كَأَنَّ السَّهَامَ | عَلَيْهِ طَيُّورُ الْمُئْتَى حُومٌ |
| ۳- وَرَاحَتْ تُقَطِّعُ أودَاجَهُ | وَتَقْسُو عَلَيْهِ فَيَسْتَرْجِمُ |
| ۴- سِهَامٌ يُسَدِّدُهَا الظَّالِمُونَ | فَتَجْزِمُ مِنْهُمْ مَا بَجَّزِمُ |

(فضل‌الله، ۲۰۰۱: ۱۰۵)

- ۱- و کودکی را دیدم چونان شکوفه‌ی بهاری که از غنچه‌اش گل شکفت.
 - ۲- کودکی خوابیده بر سینه‌ای که تیرهای وارد شده به آن گویی پرندگان مرگ‌اند که بر آن حلقه زده‌اند.
 - ۳- تیرها بریدن رگ‌های گردنش را آغاز کردند و شروع کردند به سنگدلی با وی حال آن‌که او مهر طلب می‌کرد.
 - ۴- تیرهایی که ظالمان آن را نشانه می‌گرفتند، و از رگ‌هایش می‌بریدند آنچه می‌بریدند.
- علامه فضل‌الله در این ابیات به شهادت علی‌اصغر کودک شش ماهه امام حسین (ع) اشاره می‌کند. شاعر در بیت اول از فعل «أبصر» استفاده کرده است که دلالت بر

مشاهده‌ی قلبی دارد و به‌ندرت در امور حسی استفاده می‌گردد (الزبیدی، ۱۹۷۲، ۱۹۷/۱۰). زیرا در ضریح امام حسین (ع) ایستاده است و با چشم دل و بصیرت به علی‌اصغر (ع) نگاه می‌کند، شاعر در همین بیت علی‌اصغر (ع) را درزیبایی و نورستگی به شکوفه‌ی بهاری تشبیه می‌کند (کَظْهر الرِّیْع)، در بیت دوم شاعر به این موضوع اشاره می‌کند که اگر شکوفه بر روی شاخه‌ی درخت قرار دارد سرعلی اصغر (ع) این شکوفه‌ی امام حسین (ع) پس از شهادتش بر سینه‌اش افتاده سینه‌ای که آماج تیرهای خصم شده است تیرهایی که رگ‌های کودک را یکی پس از دیگری پاره پاره می‌نمودند، و شاعر آن‌ها را پرندگان مرگ می‌شمارد.

در بیت سوم شاعر میزان اثرگذاری بر خواننده را به اوج می‌رساند آن‌جا که می‌گوید: «وَتَقْسُوْهُ عَلَيْهِ فَيَسْتَرْجِمُ»، تیرها با سنگدلی رگ‌های کودک را پاره می‌کنند و او مظلومانه از آنان می‌خواهد که به او رحم کنند.

فعل «تَقَطَّعَ» و نیز کلمه «سَهَام» جمع کثرت «سَهْم»، و عبارت «تَجْدُم مَنَهْن مَا تَجْدُم» بر اوج جنایت ظالمان در شهادت علی‌اصغر (ع) دلالت می‌کند.

۲.۲.۱. حضرت عباس (ع)

علامه فضل‌الله در اشعار خود به زیبایی شکل جان‌فشانی و ایثار حضرت ابا الفضل را به تصویر می‌کشد و می‌سراید:

- | | |
|---|--------------------------------------|
| ۱- وَرُحْتُ إِلَىٰ حَيْثُ يَجْرِي الشَّبَابُ الشَّبَابُ | نزيفاً إلى الله يسْتَظْلِمُ |
| ۲- فَأَبْصَرْتُ فِيهِ كَعُصْنِ الرِّیَاضِ | فِيهِ جَدُّ أَشْلَاءَهُ الِمْخَدْمُ |
| ۳- تَهَاوَتْ عَلَي سَاعِدِيهِ النَّبَالُ | وَرَاخَتْ تَضِجُ وَتَسْتَطْعِمُ |
| ۴- وَأَهْوَتْ عَلَي صَدْرِهِ تَشْتِكِي | ظَمَاهَا... فَرَوَى حَشَاهَا الدَّمُ |

(فضل‌الله، ۲۰۰۱: ۱۰۶)

۱- و به سوی مکانی رفتم که این جوان خونین می‌دوید و به سوی خدا دادخواهی می‌کرد.

۲- و در آن‌جا جوانی هم‌چون شاخه‌ی باغستان دیدم که شمشیر پیکرش را تکه‌تکه کرده بود.

عاشورا در آیین‌های اشعار علامه سید محمد حسین فضل‌الله ۱۵۷

۳- تیرها بر بازوان او فرود آمده بودو آن تیرها فریاد می‌کشیدند و هم‌چون حیوان شکاری غذا می‌خواستند.

۴- تیرها بر سینه‌اش فرود آمده بود درحالی‌که از تشنگی شکایت می‌کردند... و خون جوان دلش را سیراب می‌کرد.

شاعر در این ابیات به تصویر حضرت عباس (ع) و صحنه‌ی شهادتش می‌پردازد. در بیت اول او را دلاور شجاعی می‌داند که در میدان جنگ با تمام وجودش می‌جنگد و نزد خدا دادخواهی می‌کند. در بیت دوم وی را در طراوت و شادابی به شاخسار درختان معرفی می‌کند تا از سوئی خواننده را بر زیبایی و جوانی آن حضرت واقف کند و از جهتی هنگامی که سخن از قطعه قطعه شدن جسم به میان می‌آید خواننده به خاطر رعنائی و زیباییش نیز تحت تأثیر قرار گیرد. شاعر در این بیت برای قطع کردن آلت آن از کلمه‌های «جَدَّ» و «مَخْدَم» استفاده کرده است که اولی به معنی از ریشه قطع کردن است و دومی نیز شمشیر برآن است که از «خِذَم» به معنی قطع کردن سریع مشتق شده است (ابن منظور، ۱۹۹۲، ۴۵/۴). در بیت سوم شاعر در پی به تصویر کشیدن زیادی تیرهای وارد شده بر حضرت عباس (ع) است. کلمه «تِهاوی» به معنی فروافتادن پی در پی است (ابن منظور، ۱۹۹۲، ۱۵/۱۶۷). که برکثرت تیرهای فرو رفته در بدن آن حضرت دلالت دارد. کلمه‌ی تَضِجَ نیز که به معنی غوغا و همهمه و درهم آمیختن صداها است بر این تصویر می‌افزاید. شاعر همچنین از استعاره مکنیه در کلمه «النبال» کمک می‌گیرد و تیرهای فرورفته در بازوان و سینه‌اش را به پرنده‌گانی گوشتخواره و خون آشام تشبیه می‌کند که فریاد می‌کشند و غذا می‌طلبند و از تشنگی شکایت می‌کنند (تَضِجُ وَتَسْتَطْعِمُ) و هیچ چیز جز گوشت و خون عباس آتش درون‌شان را فرو نمی‌نشانند.

۳.۱. مکان‌های عاشورایی در شعر علامه فضل‌الله

شاعر فقط از یک مکان اسم برده است و آن هم رود فرات است که در اینجا به تصویرسازی شاعر در این زمینه پرداخته می‌شود:

۱.۳.۱. رود فرات

۱- وَتَهَرُّ نُورُوقُ أَمَاجِئُهُ مَلَامِحُ ذِكْرِی الدِّمِ الطَّاهِرِ

۲- هَفَّتْ لِلغَرِيبِ فَنَارَتْ بِهَا
 ۳- وِرَاخَتْ تَنَائِرٌ فِي نَوْحِهَا
 ۴- تُكْوِخِلِي أَنْ سِرَّ الشَّهِيدِ
 تَهْمَا وَيَلْمُنُ أَمْسِيَهَا الدَّابِرِ
 دُمُوعٌ عَلَى الأَلْمِ الحَائِرِ
 يَكْمُنُ فِي الشَّقَقِ السَّاحِرِ
 (فضل الله، ۲۰۰۱: ۹۹)

۱. و رودی که نشانه‌های یاد خون پاک، خواب از چشم امواجش می‌گیرد.
 ۲. آن امواج، از عشق آن غریب به هیجان آمد لذا کارهای سهمگین روزگار گذشته‌اش آن را به خروش آورد.

۳. و به‌خاطر این درد مبهم و بزرگ، در گریه و شیونش اشک‌ها پاشیده می‌شود.
 ۴. و [این اشک‌ها] به من اشاره می‌کند که راز شهید در سرخی سحر انگیز غروب خورشید نهفته است.

رود فرات بعد از شهادت امام حسین (ع) همواره مهیج و پریشان استوارام و قرار ندارد زیرا یاد آن حادثه‌ی دردناک خواب از چشم امواجش گرفته است (تُؤرِّقُ أَمْوَاجَهُ مِلاَمُحْ ذِکْرِي) زیرا امام حسین (ع) در کنار آن تشنه به شهادت رسید، به همین خاطر رود فرات بعد از این مصیبت همچون انسانی گناهکار است که توبه‌کنان از شهادت امام حسین (ع) اظهار پشیمانی می‌کند و گریه و ناله سر می‌دهد. شاعر در این ابیات کلمه‌ی «نهر» را از معنای اصلی آن خارج کرده است و به آن هویتی انسانی داده است بطوری‌که از گذشته خود پشیمان شده است و بر امام حسین اشک می‌ریزد و بیان می‌کند که سرخی خون امام حسین همواره در سرخی شفق خواهد ماند.

۴.۱. پیوند عاشورا با روزگار معاصر

امام حسین (ع) در برابر ظلم و فساد حاکمان باطل سکوت نکرد او خود، فرزندان و یارانش را فدا کرد ولی حاضر به بیعت با یزید نشد، همه‌ی این‌ها درس عبرتی شد برای نسل‌های بعد از او تا هیچ‌وقت در برابر فساد و ظلم و باطل سکوت نکنند. فضل‌الله در کتاب «حدیث عاشوراء» بیان می‌کند: «امام حسین (ع) به همراه یاران و زن و فرزندان به وظیفه‌ی خود عمل کرد امروز نیز ما باید با تمام وجود به مسؤولیت خود عمل کنیم و این همان گفته‌ی خداست که می‌فرماید «تِلْكَ أُمَّةٌ قَدْ خَلَتْ لَهَا مَا كَسَبَتْ» (بقره، ۱۳۴) تاریخ آن امت گذشت و سپری شد و پاداش خود را دریافت می‌کنند و ما را نیز با

عاشورا در آیین‌های اشعار علامه سیدمحمد حسین فضل‌الله ۱۵۹

توجه به قیام، جهاد و اعمالی که انجام می‌دهیم پاداشی است و از آنچه که گذشتگان انجام داده‌اند از ما سؤال نمی‌پرسند بلکه از آنچه انجام داده‌ایم مورد سؤال قرار می‌گیریم «وَلَكُمْ مَا كَسَبْتُمْ وَلَا تُسْأَلُونَ عَمَّا كَانُوا يَعْمَلُونَ» (بقره، ۱۳۴) (فضل‌الله، ۱۹۹۸م، ۱۸۰). وی در شعر خویش نیز عاشورای حسینی را با حوادث روزگار خود پیوند می‌زند و مردم را به قیام علیه حاکمان جور و ستم فرامی‌خواند:

- | | |
|--|---|
| ۱- فَا نَهَضَةَ الْحَقُّ ثُورِي فَقَدُ | أُبَيْحَ الْحَرَامِ وَكُمَّ الْقَمَّ |
| ۲- وَسَادَ الْفَسَادُ... فَلَا مُصْلِحَ | يُرْجَى هِنَاكَ، وَلَا مُسْلِمَ |
| ۳- وَحَارَ عَلَى الشَّعْبِ حُكَّامُهُ | وَلَمْ يَبْقَ فِي الْقَوْمِ مَنْ يَرْحَمُ |
| ۴- وَرَاحَ الضَّعِيفُ بِالْأَمْرِ | يَبْتُلُو لَيْسَ لَهُ بَسَلَمَ |
| ۵- وَأُخْرِسَ ذَاكَ الْبِرَاعِ الْجَرِيءُ | وَلَمْ يَبْقَ يَنْفَعُ إِلَّا اللَّدَمَ |
| ۶- أَعْيَدِي عَلَى الْكَوْنِ يَوْمَ الْإِبَا | بِحَيْثُ يَفْقَهُ وَلَا يُهْتَمُّ |
| ۷- لِيَتَخَفَقَ فَوْقَ الْمَلَا رَايَةً | يُؤَخِّدُهَا الْحَقُّ إِذْ يَقْدُمُ |
| ۸- وَيَرْهَوِ بِهَا الْعَدْلُ مُسْتَعْلِيًا | وَيَعْلَمُ مَنْ قَدْ عَتَوْا مَنْ هُمُ |
- (فضل‌الله، ۲۰۰۱: ۱۰۶)

۱- ای نهضت حق بپا خیز، زیرا حرام خدا حلال شمرده شده است و دهان بسته شده است.

- ۲- فساد بر همه‌جا حکومت می‌کند و امید به هیچ مصلح و مسلمانی نیست.
- ۳- حاکمان بر ملت خود ظلم می‌کنند و در قوم کسی باقی نمانده است که رحمی داشته باشد.
- ۴- انسان ضعیف و ناتوان از درد و رنج ناله سر می‌دهد و مرحمی برای او نیست.
- ۵- ونی شجاع لال شده است. غیر از خون چیز دیگری کارساز نیست.
- ۶- ای نهضت، بر جهان روز ظلم‌ناپذیری را تکرار کن با لشکری که درهم می‌شکند و شکست نمی‌خورد.
- ۷- تا پرچم حق که وحدت‌آفرین است بر بالای جهان به اهتزاز درآید.
- ۸- و با آن پرچم، عدالت سر برکشد و به خود ببالد، و کسانی که تجاوز کرده‌اند بدانند که چه کسانی هستند.

شاعر در خلال این ابیات از نهضت حسینی، که همان نهضت حق و حقیقت است می‌خواهد تا در برابر ظلم و فساد بپا خیزد، اما چرا وی نهضت حسینی را به قیام دعوت

می‌کند؟ ۱- شاعر با آوردن حرف «قد» تحقیقیه بیان می‌کند که حرام خدا حلال شده است؛ ۲- دهان حقیقت بسته شده است؛ ۳- «یزید» که نماد حاکم فاسد است بر مردم حکومت می‌کند؛ ۴- هیچ اصلاح‌گری وجود ندارد که قیام کند؛ ۵- همه‌ی صداها لال شده‌اند و جز جهاد و خون راه نجات دیگری نیست در بیت پنجم «یراع» [نی] به اسیری تشبیه شده است که نمی‌تواند صدایش را در برابر ظلم و ستم بلند کند، به همین خاطر از مردم روزگار خود می‌خواهد تا با خلق عاشورایی دیگر، بپا خیزند و با تشکیل ارتشی شکست‌ناپذیر به جنگ با ظلم و طاغوت روند و با به اهتزاز درآوردن پرچم حق مردم را به پیروزی برسانند، آن روز است که عدل و عدالت به خود می‌بالد و کسانی که ظلم و فساد کرده‌اند سرانجام خود را خواهند دانست «وَسَيَعْلَمُ الَّذِينَ ظَلَمُوا أَيَّ مُنْقَلَبٍ يَنْقَلِبُونَ» (شعراء/ ۲۲۷).

شاعر در این ابیات برای بیان مقصود خود با بکارگیری استعاره‌ی مکنیه ۳ بار به انسان پنداری پرداخته‌است: ۱- در «یا نهضة الحق ثوري» نهضت را چون بشر فرض کرده به همین سبب آن را مانند انسان خطاب می‌کند. ۲- در «اخرس ذاک الیراع» نیکه مظهر آواز در دادن است را چون انسانی می‌داند که قدرت تکلم را از دست داده و صدایی از او بر نمی‌خیزد. ۳- در «یزهو العدل» عدالت را چون انسانی می‌پندارد که از پیروزی حق به طرب آمده و با ناز به خود می‌بالد.

علامه فضل‌الله در قصیده‌ای دیگر تحت عنوان «فی ظلال کربلاء» نیز به مقایسه‌ی روزگار خود با عصر امام حسین (ع) می‌پردازد و معتقد است که ملت‌های امروز نیز با اقتدا به قیام امام حسین (ع) باید در برابر حاکمان ظالم و فاسد قیام کنند، چرا که خونحسین (ع) رمز مقاومت و ایستادگی در برابر ظلم و فساد است و این خون زنده و جاری است و هر جا باطل و ظلمی باشد خون امام حسین (ع) در برابر آن خواهد ایستاد زیرا این خون مربوط به زمان و مکان خاصی نیست بلکه در هر زمان و مکانی به حرکت و جوشش درمی‌آید.

- | | |
|-----------------------------|----------------------------|
| ۱- هنا وتساءلتُ أين انتهت | أشعَّة ذاك الصَّدى الهادرُ |
| ۲- أمرتُ عليه ظلالُ القرون | فألم تنطلق صرخة الثائر |
| ۳- ولم يأتلق في صراع الحياة | ما يربط الأمس بالحاضر |

عاشورا در آیینه‌ی اشعار علامه سید محمد حسین فضل‌الله ۱۶۱

۴- وَنَحْنُ هُنَا... نَسْتَحِثُّ الْغِيَوْمَ لتَجْرِي مَعَ الْأَبْدِ الدَّاهِرِ
۵- وَنَرْنُو إِلَى الْفَجْرِ ... فِي ثَوْرَةٍ مِنْ الْبُؤْسِ، تَصْرُخُ بِالْجَازِرِ
۶- وَبَيْتِي دَمُ الطَّفِّ فِي أَفْقِنَا يُهْدِدُ أَنْظِمَةَ الْجَائِرِ
(فضل‌الله، ۲۰۰۱: ۱۰۱ و ۱۰۲)

- ۱- اینجا پرسیدم کجا پرتوهای آن پژواک خروشان پایان می‌یابد.
- ۲- سال‌های زیادی بر آن گذشته است ولی فریاد انقلابی بلند نشد.
- ۳- در نبرد زندگی چیزی که گذشته را به حاضر پیوند زند ندرخشید.
- ۴- و ما اینجا... ابرها را برمی‌انگیزانیم تا با بی‌نهایت حرکت کند.
- ۵- به سپیده دم [پیروزی] چشم می‌دوزیم... در انقلابی ناشی از بدبختی [فساد] انقلابی که بر خون‌ریزان فریاد می‌زند.
- ۶- خون کربلا در افق امید ما باقی می‌ماند و بنیان‌های جماعت ستمگر را تهدید می‌کند.

شاعر در این ابیات با بیان اینکه با وجود گذشت سال‌ها از قیام امام حسین (ع)، این قیام هنوز زنده است، آرزو می‌کند که در مبارزه‌ی میان حق و باطل بار دیگر صدا و فریاد حسینی بلند شود تا ستمگران و حاکمان فاسد را رسوا کند. مقصود از کلمه‌ی «الأمس» روزگار امام حسین (ع) و «الحاضر» روزگار معاصر است و مقصود از «الفجر» در بیت پنجم پیروزی بر فاسدان و ظالمان و تغییر حکومت آن‌ها است. شاعر در عبارت «اشعة ذاک الصدی» به حس آمیزی یا تراسل الحواس دست زده و برای «صدی» که امری سمعی است، «اشعه» که خصوصیت نور است آورده است. در بیت دوم با اضافه‌ی «ظلال» که از لوازم اشیاء حسی است به «القرون» که غیر محسوس است به تجسید یعنی جسد بخشی به امور معنوی (الرباعی، ۱۹۹۹، ص: ۲۱۱) پرداخته است. در بیت آخر نیز با اضافه‌ی «دم» به «الطف» به سرزمین کربلا شخصیت بشری بخشیده است.

علامه فضل‌الله معتقد است که «هرساله با فرا رسیدن موسم عاشورا باید متفکرانه و از روی فکر و اندیشه به این حادثه بزرگ نگریست و بر ما واجب است که بیاندیشیم که کربلای امروز ما کجاست، او معتقد بود که امام حسین (ع) برای امر به معروف و

نهی از منکر قیام کرد و نمی‌توانست تحمل کند که حاکمی فاسد بر جامعه اسلامی حکومت کند (فضل‌الله، ۱۹۹۸م، ۳۸ و ۶۷)، به همین خاطر شاعر جوانان روزگار خود را به قیام و تکرار عاشورا دعوت می‌کند و می‌سراید:

۱- یا ضلالَ الإسلامِ فی کربلاءَ لَوَّيَ الحرفَ بابتهاال الدَّماءِ

۲- وأثیری التاریخَ فینا افتحی الرُّوحَ علی کلِّ عِرَّةٍ وإبءِ

(فضل‌الله، ۲۰۰۰: ۱۵۳)

۱- ای سایه‌ساران اسلام در کربلا، کلام و سخن را با گریه و زاری خون‌ها رنگین کنید.
۲- بار دیگر تاریخ را در میان ما برانگیزانید و روح را بر رویهرعزت و ظلم ناپذیری بگشایید.

شاعر معتقد بود که «تاریخ در هر نسلی تکرار می‌شود و هرگاه از کربلا سخن می‌گوییم مقصودمان تنها کربلای امام حسین (ع) نیست بلکه هر جا مظلومی در برابر ظالمی و اشغالگری قرار گرفته باشد آن‌جا و آن زمان عاشورا است خواه «جیل عامل» باشد خواه «بقاع غربی» یا هر نقطه‌ی دیگری. ما باید در هر زمان حسین زمانمان و یزید زمانمان را را بشناسیم» (فضل‌الله، ۱۹۹۸م، ۹۲ و ۹۳ و ۱۸۴)، تاریخی که شاعر می‌خواهد جان‌ها را به طرف آن برانگیزاند یک افسانه نیست بلکه تاریخ عزت، کرامت، شهادت و فداکاری است:

۱- لیسَ تاریخُها حدیثُ الأساطیرِ الکسالی علی شِفاهِ السُّکاری

۲- بل هو الحقُّ تلتقی الأُزجیاتُ لِدیهِ شَهَادَةً وانتصاراً

(فضل‌الله، ۲۰۰۰: ۱۵۳)

۱- تاریخش داستان افسانه‌های تنبلان بر لب‌های مستان نیست.
۲- بلکه آن تاریخی حقیقی است که جوانمرداندر نزدش شهادت و پیروزی را می‌یابند.
علامه فضل‌الله در کتاب «حدیث عاشوراء» می‌گوید: «عاشورا فرصتی است برای تفکر و تأمل و آگاهی یافتن نه برای گریه کردن» (فضل‌الله، ۱۹۹۸: ۴۹) «ما باید ادامه دهنده‌ی راه عاشورا باشیم نه تنها با گریه کردن بلکه باید بدانیم که امام حسین (ع) برای اصلاح جامعه‌ی خود قیام کرد تا احکام اسلامی جاری شود، نه تنها قلب ما باید با اهل حق باشد بلکه شمشیر و نیروی ما نیز باید با آن‌ها باشد، نه تنها در حرف بلکه در عمل

عاشورا در آیین‌های اشعار علامه سیدمحمد حسین فضل‌الله ۱۶۳

نیز باید همراه با عدالت باشیم، و بدانیم که گرچه امام حسین (ع) در آن زمان ظاهراً پیروز نشد اما برای همیشه پیروز و سربلند باقی ماند» (همان: ۱۸۴ و ۱۸۵).

۵.۱. عاشورا و ماندگاری

«کربلا منحصر به یک نقطه‌ی جغرافیایی نیست بلکه هر جا که مبارزه‌ی علیه ظلم، کفر و استکبار است آن‌جا کربلا است هر جا که اسلام و مسلمین در برابر کفر قرار گرفته باشند آنجا کربلا است چه لبنان باشد چه عراق و افغانستان» (فضل‌الله، ۲۰۰۱، ۲۹۷).

علامه فضل‌الله معتقد است که عاشورا هر چند که سال‌ها بر آن گذشته باشد از آن‌جا که مظهر حق در برابر باطل است، ماندگار و جاودان است و در این باره می‌سراید:

- | | |
|---|---|
| ۱- يَا نَهْضَةً خَلَّدَهَا السَّنُونَ | وَدَارَ بِهَا الْفُلُكُ الْأَعْظَمُ |
| ۲- أَعْيَدِي عَلَى مَسْمَعِ الْكَائِنَاتِ | حَدِيثَ الْأَبَاةِ وَمَا قَدَّمُوا |
| ۳- عَسَى يَغْلِبُ النَّفْرُ الْجَاهِلُونَ | بِمَا اسْتَنْكَرُوا وَمَا اسْتَعْظَمُوا |
| ۴- وَمَا زَعَمُوا فِيهِ أَنَّ الرِّوَا | ذَقَدِ أَخْرَوْا فِيهِ أَوْ قَدَّمُوا |
| ۵- أَعْيَدِي فَعِنْدَكَ فَصْلُ الْخُطَابِ | وَعِنْدَكَ يُسْتَوْضَحُ الْمُبْهِمُ |
- (فضل‌الله، ۲۰۰۱: ۱۰۴)

- ۱- ای نهضتی که سال‌ها آنرا جاودان کردی فلک بزرگ آن را در جهان گرداند.
- ۲- بر گوش جهانیان حدیث ظلم ناپذیری و ایثار را تکرار کن.
- ۳- امید است که جماعت جاهلان بدانند آنچه را که انکار کردند و آنچه را که بزرگ و ناممکن دانستند.

۴- و [آگاه شوند از حقیقت] آنچه می‌پنداشتند راویان با تقدیم و تأخیر در آن تحریف ایجاد کردند.

۵- ای نهضت، [حدیث ظلم ناپذیری] را تکرار کن چرا که فصل الخطاب سخن نزد تو است و امور مبهم به وسیله‌ی تو روشن می‌شود.

شاعر در این چند بیت با استفاده از استعاره‌ی مکنیه به انسان پنداری پرداخته‌است. وی نهضت امام را چون انسانی می‌پندارد که در برابر او ایستاده است و صدایش را می‌شنود. لذا همانند یک انسان او را خطاب می‌کند (یا نهضت، أعیدی، فعندک). در بیت اول از «یا» - که برای ندا بعید بکار می‌رود- استفاده کرده است تا بر علو و اهمیت این

نهضت دلالت کند. در بیت دوم نیز اثبات مسمع برای کائنات دلالت بر این دارد که شاعر کائنات را چون انسانی می‌پندارد که می‌شنود لذا از نهضت جاودان می‌خواهد که حدیث استقامت و جان‌فشانی‌های امام حسین (ع) و یارانش را در گوش کائنات تکرار کند تا جاهلانی که قیام امام حسین (ع) را باور ندارند و آن را ناممکن و نتیجه دخل و تصرف راویان در تاریخ می‌دانند به حقیقت این نهضت آگاه شوند و ابهامشان برطرف شود.

شاعر بیان می‌کند که نهضت و قیام امام حسین (ع) هرچند که سال‌ها بر آن گذشته باشد زنده و جاودان است. این نهضت در هر زمان و مکانی، داستان قهرمانی و ظلم‌ناپذیری و ایثار را بر گوش جهانیان تکرار می‌کند و حدیث چگونه کشته شدن را بیان می‌کند.

نتیجه

با بررسی اشعار عاشورایی علامه فضل‌الله می‌توان نتیجه گرفت که:

- علامه فضل‌الله با پیوند عاشورای حسینی و روزگار معاصر خود، مردم را به قیام علیه حاکمان جور و ستم فرامی‌خواند و معتقد است که ملت‌های امروز نیز با اقتدا به قیام امام حسین (ع) باید در برابر حاکمان ظالم و فاسد قیام کنند، چراکه خون امام حسین (ع) رمز مقاومت و ایستادگی در برابر ظلم و فساد است و این خون زنده و جاری است و هر جا باطل و ظلمی باشد خون امام حسین (ع) در برابر آن خواهد ایستاد و این خون مربوط به زمان و مکان خاصی نیست بلکه می‌تواند در هر زمان و مکانی به حرکت و جوشش درآید.

- شاعر از صور خیال به خصوص استعاره و تشبیه در اشعار خود بسیار استفاده کرده است اوج به‌کارگیری شاعر از استعاره و تشبیه را می‌توان در تصویر پردازی لحظه‌های شهادت حضرت علی‌اصغر و ابوالفضل العباس (ع) مشاهده کرد.

- شاعر در مواردی برای بیان عواطف خویش به فن تشخیص روی می‌آورد، گاهی به محسوساتی جان‌مانند امواج، کائنات، سرزمین کربلا و گاهی به امور غیر حسی مانند

عاشورا در آیین‌های اشعار علامه سید محمد حسین فضل‌الله ۱۶۵

نخسه، عقیده، هدایت، حق و... حیات انسانی می‌بخشد و برای آنان صفات بشری ذکر می‌کند.

- شاعر تنها راه احیای اسلام را جهاد و شهادت می‌داند همان راهی که امام حسین (ع) با فدا کردن جان، مال، فرزندان و یاران خود به بشریت آموخت.

پی‌نوشت

۱- سید محمد حسین فضل‌الله فرزند سید عبد الرؤوف، در سال ۱۳۵۴ ق برابر با ۱۹۳۵ م در نجف اشرف متولد شد (خاقانی، ۱۹۵۶: ج ۸، ۳۰۶). نسب او به امام حسن مجتبی می‌رسد (مهدی، ۲۰۰۴: ۳۳). در سال ۱۳۶۳ ق در سن نه سالگی به حوزه علمی نجف رفت، و دروس اولیه را نزد پدرش گذراند سپس از محضر اساتید بزرگ نجف بهره برد (ابوصالح، ۲۰۰۳: ۲۸ و ۳۷)، دروسش را تا سال ۱۳۸۵ ق ادامه داد و از مراجع روزگار خود گردید. برای نخستین بار در سال ۱۹۵۲ م در سن هفده سالگی به همراه پدرش به قصد دیدار اقوام و خویشان خود به موطن خود لبنان رفت (فضل‌الله، ۲۰۰۶ م: ۳۸). و بالاخره در سال ۱۹۶۶ م، نجف را به قصد اقامت دائم به سوی لبنان ترک کرد. وی در ۴ ژوئیه سال ۲۰۱۰ م در بیروت به دیدار حق شتافت. از علامه فضل‌الله تا کنون بیش از هفتاد و سه اثر منتشر شده است که مهم‌ترین آن‌ها عبارتند از: تفسیر من وحی القرآن در بیست و پنج جلد، المسائل الفقهية، خطوات علی طریق الإسلام و... همچنین چهار دیوان شعر با عناوین ذیل از او منتشر شده است: یا ظلال الإسلام، قصائد للإسلام و الحياة، علی شاطئ الوجدان وفي دروب السبعین.

منابع و مأخذ:

- قرآن کریم.
- ابن شهر آشوب مازندرانی، محمد، (۱۳۷۹ق)، مناقب آل أبي طالب، قم، مؤسسه انتشارات علامه.
- ابن قولیه قمی، جعفر بن محمد، (۱۳۵۶ق)، کامل الزیارات، نجف، مرتضویه.
- ابن منظور، (۱۹۹۲م)، لسان العرب، بیروت، دار إحياء التراث العربی.
- ابو صالح، اسماعیل خلیل، (۲۰۰۳م)، السيد محمد حسين فضل الله شاعراً، بیروت، دار الملائک.
- خاقانی، علی، (۱۹۵۶م)، شعراء الغری، النجف، المطبعة الحیدریة.
- الرباعی، عبد القادر، (۱۹۹۹م)، الصورة الفنية فی شعر أبي تمام، إربد، المؤسسة العربية للدراسات و النشر.

١٦٦ نقد ادب معاصر عربى

- الزبيدى، السيد مرتضى، (١٩٧٢)، تاج العروس من جواهر القاموس، التحقيق: ابراهيم الترسى، الكويت، مطبعة حكومة الكويت.
- زركلى، خير الدين، (٢٠٠٢م)، الأعلام، بيروت، دار العلم للملايين.
- شبر، جواد، (١٩٨٨م)، أدب الطف أو شعراء الحسين، بيروت، دار المرتضى.
- شيخ صدوق، ابو جعفر محمد بن بابويه، (١٩٨٤م)، عيون أخبار الرضا (ع)، تحقيق شيخ حسين أعلمى، بيروت، مؤسسة الأعلمى.
-، (١٤١٣ق)، من لا يحضره الفقيه، قم، جامعه مدرسين.
- فضل الله، محمد حسين، (٢٠٠١م)، قصائد للإسلام و الحياة، بيروت، دار الملاك، الطبعة الثانية.
-، (١٩٩٨م)، حديث عاشوراء، اعداد و تنسيق جعفر فضل الله، بيروت، دار الملاك، الطبعة الثانية.
-، (١٩٩٦م)، من وحى عاشوراء بيروت، دار الملاك.
-، (٢٠٠٦م)، مطارحات فى الشعر و الفن و الأدب، بيروت، دار الملاك، الطبعة الأولى.
-، (٢٠٠٠م)، يا ظلال الإسلام، بيروت، دار الملاك.
- مجلسى، محمد باقر، (١٤٠٤ق)، بحار الأنوار، بيروت، مؤسسة الوفاء.
- مهدي، على رفعت، (٢٠٠٤م)، الاتجاه الروحى فى شعر السيد محمد حسين فضل الله، بيروت، دار الملاك، الطبعة الأولى.

عاشوراء في مرآة أشعار العلامة السيّد محمّد حسين فضل الله

حسين مهتدي^١

خداداد بحري^٢

الملخص

كان العلامة محمد حسين فضل الله من فقهاء العرب وشعرائهم المعاصرين. إلى جانب دراساته في العلوم الدينية له دواوين شعرية قيمة تنبئ عن ذوقه الأدبي الفائق، منها "قصائد للإسلام والحياة"، و"في ظلال الإسلام" وغيرها مما لم يهتمّ بها الدارسون اهتماماً يليق بما رغم احتوائها على قصائد رائعة من الشاعر. يقوم العلامة في قصيدة عنوانها "في المرقد الحسيني" من ديوانه "قصائد للإسلام والحياة"، ببيان فضائل الإمام الحسين (ع) وأسباب نخصته واتصال نخصته عاشوراء بالعصر الحاضر كما يصوّر فيها مشهد استشهاد علي الأصغر وأبي الفضل العباس ويلقي أمام المخاطب صورة لنهر الفرات بعد استشهاد الإمام (ع). استمدّ العلامة في هذه القصيدة لبيان أغراضه من تقنيات مثل التشبيه، والاستعارة، والتكرار، والأفعال المضارعة. بسبب تعلّم الشاعر في حوزة النجف العلمية وتعرّفه على العلوم الإسلامية يظهر في شعره تأثره بأهل البيت. ممّا يجب الإشارة إليه أنّ للشاعر أبياتاً أخرى في الإمام الحسين (ع) مبعثرة في ديوانه "في ظلال الإسلام". يقوم الباحثان في هذا المقال بدراسة جماليات شعر العلامة فضل الله حول عاشوراء مستخدمين المنهج الوصفي والتحليلي.

الكلمات الرئيسية: الإمام الحسين (ع)، العلامة فضل الله، عاشوراء، الأدب الملتزم.

١- أستاذ مساعد في قسم اللغة العربية و آدابها، بجامعة خليج فارس - بوشهر

٢- أستاذ مساعد في قسم اللغة العربية و آدابها، بجامعة خليج فارس - بوشهر